

اثنا عشریه *

یحیی‌رهایی **

«اثنی عشریه» (از اثنی عشرة) = دوازده امامی، اسمی است که در قبال سَبْعِیَه [رجوع شود به این ماده^۱] = هفت امامیان، که از هفت امام پیروی می‌کنند.] به شیعیانی گفته می‌شود که معتقد به سلسله دوازده امام هستند. (۱) این گروه قائلند که امامت از علی‌رضا به فرزندش محمد تقی انتقال یافته و سپس به فرزند وی علی نقی و سپس به فرزندش حسن عسکری زکی و سپس به محمد مهدی، که از دیدگان مخفی شده و بزودی در آخرالزمان ظاهر می‌شود، در حالی که اعلان می‌کند نزدیکی قیامت را سپس زمین را پر از عدل می‌کند.

ترتیب امامان دوازده‌گانه: ۱- علی مرتضیٰ ۲- حسن مجتبیٰ ۳- حسین شهید ۴- علی زین‌العابدین سجّاد ۵- محمد باقر ۶- جعفر صادق ۷- موسی کاظم ۸- علی‌رضا ۹- محمد تقی ۱۰- علی نقی ۱۱- حسن عسکری زکی ۱۲- محمد مهدی حجت (رجوع شود به این اسامی).

این ترتیب امامان، مطلبی است که از قرن پنجم هجری (قرن یازدهم

* دایرةالمعارف اسلامیة (ترجمه و تعلیقات از یحیی‌رهایی).

** یحیی‌رهایی، پژوهشگر حوزه علمیه در قم.

۱. منظور عنوان مدخل سبّعیّه در دایرةالمعارف اسلامیّه است.

میلادی) مورد قبول تمام شیعیان واقع شده در حالیکه این فرقه هیچگاه خالی از اختلاف نبوده است. (۲)

چه بسا در زمانی به یازده فرقه یا بیشتر تقسیم می شدند که حتی عنوان خاصی نداشتند و تنها از راه اعتقادشان قابل تشخیص از یکدیگر بودند، این یازده گروه عبارتند از:

۱- گروهی که معتقد بودند حسن عسگری از دنیا نرفته و فقط غائب شده است.

۲- گروهی که معتقد بودند وی از دنیا رفته و فرزندی ندارد ولیکن بعداً زنده خواهد شد.

۳- گروهی که معتقد بودند وی از دنیا رفته و برادرش جعفر را جانشین خود قرار داده است.

۴- گروهی که معتقد بودند وی از دنیا رفته بدون اینکه امامی را جانشین خود قرار دهد.

۵- گروهی که معتقد بودند محمد بن علی (فرزند امام دهم که در زمان پدر از دنیا رفته بود) امام است.

۶- گروهی که معتقد بودند (امام) حسن فرزندی بنام محمد دارد که دو سال قبل از وفات پدر متولد شده است.

۷- گروهی که معتقد بودند (امام) حسن فرزندی دارد که ۸ ماه پس از وفات پدر متولد شده است.

۸- گروهی که معتقد بودند (امام) حسن از دنیا رفته و فرزندی ندارد و مردم به خاطر گناهان خود امامی نخواهند داشت.

۹- گروهی که معتقد بودند (امام) حسن پسری دارد ولیکن شناخته شده نیست.

۱۰- گروهی که معتقد بودند (امام) حسن از دنیا رفته و باید مردم امامی

داشته باشند و لکن نمی‌دانیم که آن امام فرزند حسن است یا فرزند دیگری است.

۱۱- گروهی که بر امامت علی‌رضا توقف کردند و در انتظار حجت (امام اخیر) به سر می‌برند، و از این جهت به آنان واقفیه گفته می‌شود یعنی کسانی که در موت امام توقف کردند، و در ابتداء امر به آنها قطعیه (قطعیّه) گفته می‌شده است. زیرا اینها برعکس واقفیه، قطع به وفات امام داشتند یا آنگونه که بعضی گفته‌اند واقفیه پس از موسی کاظم در سلسله ائمه توقف کردند تا امامت را فقط در نسل جعفر (امام ششم) قرار دهند. (۳)

در بین شیعه، گروهی نیز پیدا شدند که پس از امام هفتم (موسی کاظم) اعتراف به امامت علی‌رضا نکردند و قائل به امامت احمد (فرزند دیگر امام هفتم) شدند. (۴)

همچنین گروهی اعتراف به امامت محمد تقی نکردند و از اینجهت که وی هنگام وفات پدرش از جهت سنی کوچک بود و در حدی نبود که بتواند امام باشد. (۵)

و گروهی دیگر به امامت محمد تقی اعتراف کردند ولی پس از وی اختلاف کردند که کدامیک از دو فرزندش سزاوار امامت است، موسی یا علی؟ همچنین پس از علی (امام دهم) اختلاف کردند که جعفر امام است یا حسن (امام یازدهم)؟ طرفداران جعفر، قائلین به امامت حسن را «زائدان حمادیه» لقب دادند از اینجهت که حسن در نظر آنان جاهل بود، و بعد از وفات حسن نیز گروهی قائل به امامت جعفر شدند - و گفته می‌شود که وی فرزند کنیزی بوده است - به عقیده این گروه (امام) حسن، فرزندی نداشته است. (۶)

و صفویه که خود را از نسل موسی کاظم (امام هفتم شیعه) می‌دانستند، مذهب شیعه و به عبارت صحیح‌تر، مذهب اثنا عشریه را مذهب رسمی در ایران قرار دادند و تا زمان حاضر نیز چنین مانده است. شاه اسماعیل صفوی پس از

آنکه بر تخت نشست در سال ۹۰۶ هـ (۱۵۰۰ م) در آذربایجان، خطبا را امر کرد که به اسم دوازده امام خطبه بخوانند، همچنانکه مؤذنین را دستور داد که در اذان صیغه «أشهد أنَّ علياً ولي الله» را که شعار شیعه بود اضافه کنند و لشکریان را دستور داد که مخالفان این دستور را بکشند. (۷)

ایرانیان برای مذهب دوازده امامی اهمیت زیادی قائلند و امامان در نظر شیعه همانند اَقانیم در نظر مسیحیان اند. (۸)

و شیعه معتقدند که مقدرات عالم در دست امامان و حفظ و هدایت جهان به عهده آنهاست. (۹) تنها راه نجات پیروی از آنان است و هلاکت در جدا شدن از آنان است، اطاعت آنان و توسل به آنان امری ضروری است. (۱۰)

همچنین نمازهایی مخصوص امامان دارند. (۱۱) روز یکشنبه نزد شیعه مقدس است بخاطر اینکه منسوب به علی و فاطمه است، ساعت دوم هر روز را به خاطر حسن مقدس می‌دانند و ساعت سوم را به خاطر حسین. و ساعت چهارم را به خاطر زین‌العابدین، و همینطور... و برای زائرین قبور ائمه اجر و ثواب خاصی مقرر شده است. (۱۲)

﴿ تعلیقات ﴾

تعلیق (۱) : اثنی عشریه شاخه‌ئی از شیعه امامیه است که تعداد گروندگان از همه شاخه‌های امامیه بیشتر است. شاخه‌های دیگری چون مکتب پنج امامی زیدیه و مکتب هفت امامی اسماعیلیه دارای اهمیتی هستند و پیروانی دارند ولی شاخه‌های دیگری که به تعداد دیگری امام معتقد بوده‌اند، در طول تاریخ اسلام پیدا شده‌اند و بعد از مدتی کوتاه از بین رفته‌اند. (دانشنامه ایران و اسلام، ج ۹، ص ۱۱۷۵).

مبنا و اساس نظریه اثنا عشریه روایاتی است که در این مورد از پیامبر اسلام رسیده است و بزرگان اهل سنت و بزرگان شیعه آنرا نقل کرده‌اند که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌کنیم: ۱- مؤلف صحیح مسلم از پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم روایت می‌کند که فرمود: (لا يزال الذين قائما حتى تقوم الساعة اويكون عليكم اثنا عشر خليفة كلهم من قريش) این دین همچنان پابرجا می‌ماند تا اینکه قیامت برپا شود و تا اینکه دوازده خلیفه بر شما پیشوائی کنند که همگی از قریش می‌باشند.^۱

۲- مؤلف مسند احمد از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: این دین همچنان پابرجاست تا اینکه دوازده خلیفه از قریش پیدا شوند. سپس دروغگویان قبل از قیامت ظاهر می‌شوند.^۲

۳- در کنز العمال پس از نقل روایت فوق ادامه می‌دهد که پیامبر فرمود: پس از دوران این دوازده نفر، در زمین هرج و مرج می‌شود.^۳

۴- مؤلف کنز العمال روایت می‌کند که این دین همچنان پابرجاست تا زمان دوازده نفر از قریش، و پس از درگذشت آنان، زمین با اهل زمین به اضطراب می‌افتد.^۴

۵- مؤلف کنز العمال از ابن مسعود نقل می‌کند که پیامبر فرمود: تعداد جانشینان من به اندازه برگزیدگان موسی است (که به نقل قرآن دوازده نفر بوده‌اند. سوره مائده، آیه ۱۲).^۵ این مضامین، با اسناد متعدّد در کتابهایی که ذکر

۱. صحیح مسلم، بشرح النووی، ج ۱۲، ص ۲۰۳، لبنان صحیح مسلم، جزء ۶، ص ۴، مصر.

۲. مسند احمد، ج ۵، ص ۸۶، ط دارالفکر، لبنان.

۳. کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲، ط رسالت، بیروت. (شماره ۳۳۸۴۸).

۴. همان مأخذ، ص ۳۴، شماره ۳۳۸۶۱.

۵. همان مأخذ، ص ۳۳، شماره ۳۳۸۵۹.

شد و غیر آنها از پیامبر اسلام نقل شده است.^۱

۶- شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) می‌گوید: شیعه و سنی روایت کرده‌اند که ائمه بعد از پیامبر دوازده نفرند، نه کمتر و نه بیشتر.^۲

نکته قابل توجه این است که روایات مذکور فقط بر نظریه شیعه اثناعشریه تطبیق می‌کنند که خلافت واقعی پیامبر را منحصر در دوازده امام می‌داند و از این جهت دانشمندان سنی در تبیین آن احادیث به اضطراب افتاده‌اند، زیرا ملاحظه کرده‌اند که اگر ۱۲ خلیفه همان خلفای صدر اسلام باشند، بعد از درگذشت آنها اضطراب و هرج و مرجی روی نداده است. ناچار باید معنای دیگری بیابند از این جهت به معانی خلاف ظاهر دست یازیده‌اند که از نقل آنها خودداری می‌کنیم.^۳

شیعه اثناعشریه در اعتقاد خود به امامت علی (ع) و جانشینان بعد از وی صرفاً به احادیث یاد شده استناد نمی‌کند بلکه روایات صریح‌تر و روشن‌تری را نیز مستند قرار می‌دهد که شیعه و سنی آنها را آورده‌اند و از آن جمله حدیث معروف غدیر است. طبق این حدیث پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، علی علیه السلام را علناً به جانشینی خود منصوب کرد.^۴

تعلیق (۲): از کتب دانشمندان شیعه و سنی به دست می‌آید که اعتقاد به ترتیب دوازده امام وابسته به قرن پنجم هجری نیست و از زمان ائمه شیعه چنین اعتقادی وجود داشته بلکه جمهور شیعه معتقد به آن ترتیب بوده‌اند، گرچه انشعابات در مذهب امامیه رخ داده بود و گروهی بر امام ششم یا امام هفتم توقف

۱. سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۱، احیاء التراث، بیروت؛ المعجم الکبیر، طبرانی، ص ۱۰۸، دانشگاه تهران.

۲. کتاب الغیبه، ص ۱۲۶، قم.

۳. رجوع شود به معالم المدرستین، عسکری، ج ۱، ص ۳۳۴ به بعد.

۴. رجوع شود به کتاب الغدیر، علامه امینی.

کرده بودند ولکن کسانی که معتقد به دوازده امام بودند از همان زمان غیبت صغری چنین اعتقادی داشتند. مورّخ شهیر، مسعودی به این نکته اشاره کرده است. وی در حوادث سال ۲۶۰ هـ. پس از ذکر وفات امام حسن عسکری، می‌گوید «وی پدر مهدی منتظر امام دوازدهم قطعیّه (کسانی که نسبت به وفات امام موسی کاظم قطع پیدا کردند برخلاف واقعیه که نسبت به آن توقف نمودند). امامیه است و آنها جمهور شیعه هستند.»^۱ همچنین اشعری که در قرن سوم می‌زیسته می‌گوید: شیعه امامیه اتفاق نظر دارند که امام آنها فرزند غائب امام حسن عسکری است و این اتفاق نظر به زمان وفات حسن بن علی رضه برمی‌گردد.^۲

تعلیق (۳): دو نکته را در این مورد باید متذکر شویم: الف - در بیان عقیده گروه یازدهم نویسنده مقاله بین واقفیه و قطعیّه خلط کرده است، روشن است که واقفیه گروهی از شیعه بودند که موت امام هفتم (موسی کاظم علیه السلام) را انکار کردند و قائل به امامت علی‌رضا علیه السلام نشدند، در قبال آنها قطعیّه یا قطعیّه کسانی بودند که قطع به وفات امام هفتم پیدا کردند و امامت ائمه بعدی را پذیرفتند که به آنها اثنا عشریه هم گفته می‌شود.^۳ آنچه که نویسنده مقاله در این قسمت گفته است از کلام شهرستانی در ملل و نحل (ج ۱، ص ۱۷۲) گرفته ولی

-
۱. مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲، داراندلس، بیروت. همچنین ابوالحسن اشعری در مقالات الاسلامیین، ج ۱۷، فرانز شتاينر بقیسبادن.
 ۲. سعد بن عبدالله الاشعری القمري، المقالات و الفرق، ص ۱۰۶.
 ۳. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۷۹ به بعد، دارالاضواء لبنان.
 - شهرستانی، الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۶۹، دارالمعرفه، بیروت.
 - اشعری، المقالات و الفرق، ص ۸۹.
 - ابن حزم، الفصل فی الملل، ج ۵، ص ۳۸، دارالجیل بیروت.
 - مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲، دارالاندلس بیروت.

در نقل آن خلط کرده است. ب - آیا این تقسیماتی که در متن ذکر کرده است صحت دارد؟ و بر فرض صحت، آیا می توان اینها را جزو گروه های امامیه قلمداد کرد؟

در جواب می گوئیم که وقوع چنین اختلاف شدیدی از نظر تاریخ مسلم است. پس از درگذشت امام یازدهم که در سال ۲۶۰ هـ. روی داد، شیعه امامیه ابتداء اختلاف نظر شدیدی پیدا کردند که به گفته مورخین آن روزگار به ۱۴ یا ۱۵ گروه و بلکه تا ۲۰ گروه رسیده اند.^۱ و لکن به شهادت تاریخ، این اختلاف، سطحی و زودگذر بوده است و بگونه ای نبوده که بتوان آنرا جزو انشعابات شیعه اثنا عشریه به حساب آورد. یکی از عوامل این اختلاف، مخفی بودن امام دوازدهم بوده است، همانگونه که در تعلیق (۱) اشاره شد روایاتی از پیامبر اسلام در دست بوده که بر اساس آنها مهدی دوازدهمین جانشین پیامبر می شود و اوست که دستگاه ظلم ستمگران را درهم می کوبد و لذا خلفاء بنی عباس به خیال پیشگیری از ظهور وی، امام دهم و یازدهم را شدیداً تحت نظر داشتند و حتی پس از وفات امام یازدهم، کاملاً خانه امام و ساکنین خانه را تفتیش و بعضی از زنان را بازداشت کردند تا اثری از فرزند امام بیابند، در چنین وضعی مصلحت ایجاب می کرد که امام یازدهم فرزند خود را کاملاً مخفی کند و فقط در مواردی استثنائی به افراد مطمئن وی را معرفی نماید. این مطلب یکی از عوامل مهم حیرت و افتراق شیعه پس از وفات امام یازدهم شد.^۲

۱. نویختی، فرق الشیعة، ص ۹۵-۱۱۲، دارالاضواء لبنان.

- المقالات والفرق، اشعری، ص ۱۰۲-۱۱۶.

- مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲، دارالاندلس بیروت.

- کمال الدین، صدوق، ص ۵۵، ۴۰۸.

۲. ابن صبیح الکرت، الفصول المهمة، ۸۵۵، ص ۲۹۰، نجف / دلائل الامامة، طبری،

ص ۲۲۴، نجف.

عامل دیگر این اختلاف، ریاست طلبی جعفرین علی الهادی بود که از غیبت امام دوازدهم سوءاستفاده کرد و خود را امام شیعیان معرفی نمود. ولی از یک طرف وی در سال ۲۷۱ هـ. درگذشت. و از طرف دیگر کسانی که امام دوازدهم را در دوران کودکی مشاهده کرده بودند، شهادت به وجود آن حضرت دادند و بزرگان شیعه مسئله غیبت امام را برای شیعه توجیه کردند.^۱ لذا عوامل اختلاف از کار افتادند. از اینرو هیچ ردّ پائی از این اختلاف در تاریخ تشیع نمی‌بینیم و احدی از متکلمین و فقهای شیعه را نمی‌یابیم که قائل به امامت جعفر یا منکر امام دوازدهم شده باشد. شیخ طوسی که یک قرن و نیم پس از آن روزگار میزیسته می‌گوید: «این فرقه‌ها بحمدالله منقرض شدند و کسی نمانده که قائل به مقاله آنها باشد...»^۲. از آنچه گفته شد نتیجه می‌گیریم که اکثر قریب به اتفاق شیعه از این اختلاف دور ماندند و تنها معتقد بودند به امامت امامی که فرزند امام یازدهم است و طبق مصالح الهی غائب است.^۳

بنابراین تقسیم کردن فرقه اثنا عشریه به یازده گروه برخلاف موازین علمی و تاریخی است.

تعلیق (۴): این گروه به عنوان احمدیه معروفند، لکن نویسنده مقاله در

→ - الشیخ المفید، الارشاد، ص ۳۴۵، ب ۲۱۲ بصیرتی، قم / اعلام العدی، ص ۳۸۰، دارالکتب الاسلامیه.

- کمال الدین، صدوق، ص ۴۷۴ به بعد، قم.

۱. الارشاد، ص ۳۵۰، قم / کمال الدین، ص ۴۳۴ به بعد، قم.

۲. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۲۸، موسسه المعارف الاسلامیه، قم.

۳. ابن حزم، الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ج ۵، ص ۳۸، دائر الجبل بیروت.

- نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۱۱ - ۱۱۲ / المقالات و الفرق، اشعری، ص ۱۰۲، حیدری، تهران.

- مسعودی، مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۱۲، دارالاندلس، بیروت.

بیان عقیده آنها از کلام شهرستانی^۱ پیروی کرده و به خطا رفته است زیرا طبق گفته نوبختی و اشعری^۲ که در قرن سوم میزیسته‌اند، فرقه احمدیه اعتقاد به امامت علی رضا داشتند و پس از وفات آن امام پیدا شدند. البته از این فرقه اثری یافت نمی‌شود.

تعلیق (۵): اعتقاد شیعه در مورد امام این است که علم او از جانب خداست و لذا سن دخیل در آن نیست، همانگونه که در قرآن کریم (مریم: ۱۲) در مورد یحیی می‌فرماید: «و اتینا و الحکم صبیّاً». بعلاوه که بزرگان شیعه و سنی به مقام علمی امام نهم در همان سن نوجوانی اعتراف کرده‌اند.^۳

تعلیق (۶): اختلافاتی که نویسنده مقاله مطرح می‌کند اغراق‌آمیز است و مستند می‌باشد به کلام شهرستانی که در قرن ششم میزیسته است^۴ در حالیکه بگفته نوبختی و اشعری که هر دو در قرن سوم میزیسته‌اند و معاصر همان روزگار بوده‌اند^۵، اختلافات مذکور، سطحی و زودگذر بوده و در مدتی کوتاه، اقلیتی ضعیف از اکثریت شیعه اثناعشریه منشعب شده‌اند و مجدداً به اکثریت پیوسته‌اند یا مضمحل شده‌اند، بنابراین از نظر تاریخی صحیح نیست که اینها را جزو فرق و شعب امامیه ذکر کنیم.

۱. شهرستانی، الملل و النحل، ۵۴۸ هـ. ج ۱، ص ۱۶۶، دارالمعرفة، لبنان.
۲. نوبختی، فرق الشیعة، ص ۸۵، دارالاضواء.
- اشعری، المقالات و الفرق، ۳۰۱ هـ. ص ۹۳ - ۹۵، حیدری تهران.
۳. شبلخی، نورالابصار، ص ۳۲۶ به بعد، دارالجبل بیروت؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۲۰۶، قاهره، مصر.
- الارشاد، مفید، ص ۳۱۹ - ۳۲۶، بصیرتی، قم.
۴. شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۶۶، ۱۶۹، ۱۷۰، دارالمعرفة، لبنان.
۵. نوبختی، فرق الشیعة، قرن سوم هـ. ص ۸۵، ۹۱، ۹۵، دارالاضواء لبنان.
- اشعری، المقالات و الفرق، ص ۹۳، ۹۵، ۹۹، ۱۰۱، حیدری، تهران.

تعلیق (۷): البته پادشاهان صفویه در ترویج آئین تشیع کوشش بسیار کردند و آنرا مذهب رسمی ایران قرار دادند ولی این بدان معنی نیست که در ایران قبل از صفویه آئین تسنن به طور فراگیر حاکم بوده است، بلکه به شهادت تاریخ در بسیاری از مناطق ایران مذهب تشیع از قرن‌ها پیش رواج داشته است و در مناطق بزرگی نیز مذهب منحصر به فرد بوده است.

اینک به نمونه‌هایی از گفتار مورخان آن روزگار اشاره می‌کنیم:

الف - یاقوت حموی درباره‌ی ری می‌نویسد: «اهل ری در آغاز شیعه نبودند تا اینکه احمد بن حسن اورانی بر آنجا تسلط یافت و مذهب تشیع را علنی نمود و آغاز تسلط او سال ۲۷۵ هجری بوده است»^۱. همچنین درباره‌ی وی می‌نویسد: «نصف جمعیت شهر شیعه هستند و در روستاها تماماً شیعه هستند و اندکی حنفی»^۲. وی درباره‌ی بیهق می‌نویسد: «منطقه بزرگی است که پراز شهرها و آبادیها است - در نواحی نیشابور - و ۳۲۱ روستا را در بر دارد و اکثریت اهل آنجا شیعه متعصب می‌باشند»^۳. و در مورد کاشان می‌نویسد: «تمام اهل کاشان شیعه امامی هستند»^۴. و درباره‌ی قم می‌نویسد: «در آنجا هرگز سنی یافت نمی‌شود»^۵. همچنین شهری بنام «آوه» را نام می‌برد که در دو فرسخی «ساوه» بوده و مردمانش شیعه امامی بوده‌اند و با مردم ساوه که سنی شافعی بودند همیشه درگیری داشته‌اند.^۶ ب - در کتاب بیان الادیان که به سال ۴۸۹ ه. تألیف شده چنین آمده است:

۱. معجم‌البدان، یاقوت حموی، متوفی ۶۲۶ ه. ج ۳، ص ۱۲۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲. همان مأخذ، ص ۱۱۷.
۳. همان مأخذ، ج ۱، ص ۵۳۷.
۴. همان مأخذ، ج ۴، ص ۲۹۶.
۵. همان مأخذ، ج ۴، ص ۸ - ۳۹۷.
۶. همان مأخذ، ج ۳، ص ۱۷۹.

«ایشان (شیعه) به عراق مازنداران، سخت بیارند و به خراسان نیز»^۱.

ج - عبدالجلیل رازمی در کتابی که به سال ۵۶۰ هـ. در نقض یکی از نویسندگان اهل سنت تألیف کرده است این مناطق شیعه نشین را ذکر می‌کند: قم، کاشان، ورامین، سبزوار، ساری، ارم، ری، آبه، قزوین، نرمین، سرویه، خوابه، جرجان، دهستان، جربایقان و استرآباد.^۲

د - موزخ شهر حمدالله مستوفی (متوفی ۷۴۰ هـ.) مناطقی از ایران را نام می‌برد که مردم آنجا شیعه اثناعشری بوده‌اند که عبارتند از: آوه، روستاهای ساوه، قم، تفرش، فراهان، نهاوند، بیحق و جرجان. و در مورد قم و فراهان می‌گوید: بغایت متعصب هستند. همچنین از اشکور و دیلمان و طوالش و خرکان و خستجان نام می‌برد و می‌گوید: به قوم شیعه نزدیک‌ترند.^۳

هـ - ابن بطوطه، جهانگرد معروف در سفرنامه‌اش که به سال ۷۵۶ تألیف کرده است: بحرین و قم و کاشان و ساوه و آوه و طوس را محل رافضیه غالیه (شیعیان متعصب) می‌نامد.^۴ و درباره اصفهان می‌گوید: از شهرهای بزرگ و نیکوست ولی فعلاً به سبب جنگهای دائمی بین شیعه و سنی خراب شده است^۵، این گفتار وی بر کثرت جمعیت شیعه در اصفهان در قرن هشتم دلالت دارد.

و - «اصطخری» و «مقدسی» مناطقی از فارس و غیره را نام می‌برند که

۱. ابوالمعالی، بیان الادیان، ص ۴۰، تهران. بنقل کتاب تاریخ تشیع در ایران، ص ۳۰۷، رسول جعفریان.

۲. کتاب نقض، ص ۴۳۷، تهران، چاپخانه زر، اسم اصلی این کتاب «بعض مشالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض» می‌باشد.

۳. حمدالله مستوفی، نزهة القلوب، تهران. صفحاتی که از شهرهای فوق نام برده برترتیب ذیل است: ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۳، ۱۸۴، ۱۹۷.

۴. ابن بطوطه، رحلة، ص ۲۰۳، دارالکتب العلمیة بیروت.

۵. همان مأخذ، ص ۲۱۴.

شیعه‌نشین بوده است.^۱ از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم که مسئله تشیع در ایران به قرن سوم هجری برمی‌گردد و قبل از قرن سوم نیز تمایل و علاقه به خاندان پیامبر در ایران وجود داشته است. بنابراین نقشی که پادشاهان صفویه بر ایران داشتند صرفاً گسترش آئین تشیع و رسمیت بخشیدن به این آئین بوده است، علاوه بر این، تشیع منحصر به ایران نبوده و در کشورهای اسلامی به طور گسترده رواج دارد.

تعلیق (۸): این مقایسه کاملاً نادرست است، هر کسی که کمترین اطلاعی در مورد عقائد شیعه داشته باشد و نسبت به عقیده نصاری در مورد آقائیم سه گانه آشنائی مختصری داشته باشد درمی‌یابد که بین این دو قضیه هیچ نسبتی نیست. برای روشن شدن این مطلب، اولاً نظری می‌کنیم به مسئله آقائیم و سپس نظر شیعه را نسبت به ائمه بررسی می‌کنیم.

نسبت به موضوع آقائیم که اصطلاحاً از آن به عنوان تثلیث یاد می‌شود، در بین مسیحیان اختلاف نظر شدید است. بعضی هر سه را اله دانسته‌اند و بعضی در توجیه آن گفته‌اند که اب، اله است ولی ابن و روح القدس مخلوق خدا هستند که واسطه بین الله و عالم، و واسطه در تنفیذ اغراض خدا می‌باشند.^۲

محمد صادق فخرالاسلام که روزگاری کشیش بوده و سپس مسلمان شده است می‌گوید: «تمامی مسیحیین امروز اعتقادشان این است که ذات خدا مرکب

۱. المسالك و الممالك، ص ۱۳۹، لیدن. بنقل کتاب تاریخ تشیع در ایران، ص ۲۲۲.

و احسن التقاسیم. ج ۱، ص ۶۹۲. بنقل کتاب «تاریخ تشیع در ایران» ص ۲۲۳.

۲. الاسلام و المسيحية فی المیزان، شریف محمد هاشم، ص ۲۴۳ - ۲۵۱، مؤسسه الوفاء بیروت.

- الالهیات، محاضرات الاستاد سبحانی، ج ۱، ص ۳۶۵ - ۳۷۲، دارالاسلامیه، لبنان.

از سه چیز است: آب و ابن و روح القدس، و این سه واحدند و یکنفر مسیحی در روی زمین پیدا نمی‌شود که این اعتقاد را نداشته باشد و در بیان اتحاد و علاقه کلمات ایشان مضطرب است و عاجز از بیان علاقه هستند.^۱ و در آداب غسل تعمید می‌گویند که کشیش به کسی که می‌خواهد نصرانی شود خطاب می‌کند «بدان که نصرانیت و مسیحیت عبارت از آن است که ذات خدا را مرکب از سه اقنوم بدان» بَبْ بِرُوْنْ رُوْحْ دِقْدَیْس یعنی آن سه اقنوم اب و ابن و روح القدس می‌باشند.^۲ اینچنین است عقائد مسیحیان دربارهٔ اقاییم. اما نظریهٔ شیعه نسبت به امامان خود چگونه است؟

آیا شیعه امامان را شریک در الوهیت الله می‌دانند یا آنان را جزئی از اجزاء الله می‌دانند؟ کتب دانشمندان شیعه که از صدر اسلام تاکنون نگاشته شده گواهی می‌دهد که آنان امامان را بندهٔ خدا می‌دانند و اگر معجزه‌ئی انجام داده‌اند فقط به اذن خداوند بوده است. کتاب الکافی نوشتهٔ محمد بن یعقوب کلینی که مهمترین کتاب روایی و حدیثی شیعه است بخش عمدهٔ جلد اول آن دربارهٔ مقامات امامان است و هیچ اشاره‌ای ندارد به اینکه مقام آنان فوق مقام عبودیت باشد، بلی، به عقیدهٔ شیعه، امامت انتخابی نیست و از جانب خدا می‌باشد و عدالت الهی اقتضا می‌کند که شخصی را امام مردم قرار دهد که معصوم از خطا و گناه باشد.^۳ و از این جهت است که امام بر سایر بندگان خدا امتیاز دارد لذا اهلیت دارد که واسطه بین خدا و خلق باشد ولی این هم مقامی است که از جانب خدا به او عطا شده است،^۴ این عقیده‌ای است که شیعه از صدر اسلام تاکنون نسبت به امامان داشته و دارد و اگر در گوشه و کنار، مردم بی‌اطلاعی یافت شده باشند که نسبت به مقام امام،

۱. انیس الاعلام فی نصره الاسلام، ج ۳، ص ۲۲۴ و ۲۲۶، تهران.

۲. همانجا.

۳. کمال الدین، صدوق، ص ۱۰.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۰؛ الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

زیاده‌روی و به اصطلاح غلو کرده باشند از دیدگاه شیعه و امامان شیعه مطرود می‌باشند و نمی‌توان آنان را شیعه واقعی به حساب آورد. نتیجتاً نسبتی بین عقیده شیعه و مسئله اقامیم وجود ندارد «رجوع شود به ماده امام و ماده اقنوم».

تعلیق (۹): همانگونه که در تعلیق ۸ گفته شد، شیعه تمام تحولات جهان را منحصرأ به دست خداوند متعال می‌داند و لکن از آن جهت که امامان بندگان شایسته خدایند که در اثر مجاهدت در راه خدا به آن مقام رسیده‌اند، خداوند متعال از روی تفضّل آنان را واسطه در بقاء عالم قرار داده است نه اینکه مستقیماً امور به دست آنها انجام گیرد.^۱ (رجوع شود به ماده امام).^۲

تعلیق (۱۰): اطاعت از امامان را شیعه از آن جهت ضروری می‌داند که طبق ادله و براهین قطعی آنها معصوم از خطا هستند و بر همین اساس پیروی از آنها را قرین پیروی از خدا و رسول خدا می‌داند و اولی الامر که طبق قرآن کریم اطاعتشان واجب است.^۳ به عقیده شیعه همان امامان معصومند نه هر زامادار هوسران. و توسل به آنان هم از این جهت است که بندگان شایسته خدا و وسائط فیض الهی‌اند.^۴ (رجوع شود به ماده امام).

تعلیق (۱۱): نمازهای مذکر چنین نیست که پرستش ائمه باشد بلکه اینها نمازهائی است که ائمه می‌خوانده‌اند و شیعه در گزاردن این نمازها با آنان تأسی

۱. همان مأخذ، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. منظور عنوان مدخل امام در این دایرةالمعارف است.

۳. قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۵۹.

۴. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۸۶.

می‌جویند یا ثواب این نمازها رابه آنان هدیه می‌کنند.^۱

تعلیق (۱۲): در مورد مقدس بودن روز یکشنبه نویسنده مقاله احیاناً به استناد کتابهای دعا و زیارتنامه‌ها که درباره ایام هفته هم مطالبی دارند، مانند مفاتیح الجنان، صفحه ۹۶ و مصباح الخبات، جلد دوم، ص ۲۳۱ مطالب خود را نوشته است. در مآخذ فوق روز یکشنبه ویژه زیارت حضرت امیر (ع) است و روز جمعه ویژه حضرت رسول و روز شنبه ویژه امام حسن (ع) است. موضوع زیارت اختصاص به شیعه ندارد بلکه سایر ادیان و مذاهب نیز به آن اهمیت می‌دهند حتی گروههای مادی نیز نسبت به قبور شخصیت‌های خود تشریفاتی را انجام می‌دهند، در اروپا همه ساله زائران بی‌شمار مسیحی، راهی زیارتگاه رم می‌شوند.^۲ نمونه بارزتر بیت المقدس یا اورشلیم است که زیارتگاه مسلمانان و مسیحیان و یهود است.^۳ زیارتگاه بزرگ هندوان در شهر «آمریت سر» که معبد طلائی در آن جای دارد نمونه دیگر است.^۴

بنابراین مسئله زیارت مسئله‌ای جهانی است و اختصاصی به شیعه ندارد. اما اهمیتی که شیعه نسبت به زیارت قائل است - نه از آن جهت است که زیارت را پرستش صاحب قبر بداند چنانکه وهابیون پنداشته‌اند - بلکه از این جهت است که زیارت قبور بزرگان دین را مایه تجدید پیوند می‌داند، در حقیقت، زیارت به نظر شیعه دیداری است مشتاقانه با آنکه دوستش دارد و او را بزرگ می‌شمارد. هدف دیگر از زیارت اولیاء دین، تکریم و بزرگداشت شعائر دینی است. چرا که به نظر شیعه، ترک زیارت، اهانت به دین و اولیاء دین و موجب سستی

۱. جامع احادیث الشیعه، ج ۷، ص ۴۲۵ به بعد.

مصباح المتجهّد، الشیخ الطوسی، ص ۲۵۶، ۲۶۶، قم.

۲. شوق دیدار، دکتر محمد مهدی رکنی، نشر آستان قدس، ص ۲۴.

۳. همان مأخذ، ص ۲۵، بنقل از دایرة المعارف مصاحب.

۴. همان مأخذ.

عقیده می‌شود و بر همین اساس است که اولیاء دین، به پیروان خود سفارش می‌کردند که از زیارت قبور پیامبر و امامان غافل نمانند. دانشمندان اهل سنت از پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم روایت کرده‌اند که هر کس حج گزارد سپس قبر مرا زیارت کند همچون کسی است که مرا در دوران زندگانی زیارت کرده است.^۱ و فرمود: هر کس حج خانه خدا کند ولی مرا زیارت نکند بر من ستم کرده است.^۲ و موارد دیگری که اختصاراً از نقل آن خودداری می‌کنیم. دانشمندان شیعه نیز روایاتی در موضوع زیارت از امامان نقل کرده‌اند و از آن استفاده می‌شود که منظور از زیارت، تجدید پیمان و ایجاد پیوند با رهبران دینی است که به نمونه‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

الف - امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: هر کس زیارت کند شهیدان آل محمد صل الله علیه و آله و سلم را و منظورش پیوند با پیامبر باشد، از گناهان خود پاک می‌شود همچون روزی که متولد شده است.^۳

ب - امام رضا (ع) می‌فرماید: هر امامی بر عهده شیعیان خود پیمانی دارد و در صورتی این پیمان عملی می‌شود که آنان به زیارت امامان خود بروند. پس هر کسی که آنان را از روی رغبت زیارت کند در حالیکه برنامه‌های آنان را تصدیق نماید، امامان در روز قیامت شفیع وی خواهند بود.^۴ (به ماده زیارت رجوع شود).^۵

۱. امینی، الغدير، ج ۵، ص ۹۸، بنقل از ۲۵ تن از حفاظ اهل سنت.

۲. همان مأخذ، ج ۵، ص ۱۰۰، بنقل از ۹ تن از حفاظ اهل سنت.

۳. الشيخ حرالعالمی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۲۵۹، شماره ۲۲، احیاء التراث العربی، لبنان.

۴. من لا یحضر الفقیه، الصدوق، ج ۲، ص ۳۴۵، شماره ۱۵۷۷/۲، تهران.

۵. لازم به تذکر است که مدخل زیارت در دایره المعارف بسیار محدود است و باید گسترش داده شود.